



علامه طباطبایی مظهر فلسفه بود/ آزاداندیش‌تر از علامه ندیده‌ام

استاد فلسفه دانشگاه تهران، علامه طباطبایی را مظهر فلسفه خواند و اظهار کرد: علامه در عمق تفکر و به‌ویژه آزادی اندیشه کم‌نظیر بود و من در عمرم آزاداندیش‌تر از او ندیدم؛ ایشان به شاگردان خود مانند فرزند نزدیک بود و فیلسوفی تا این اندازه عاطفی نیز کمتر دیده‌ام.

استاد فلسفه دانشگاه تهران، علامه طباطبایی را مظهر فلسفه خواند و اظهار کرد: علامه در عمق تفکر و به‌ویژه آزادی اندیشه کم‌نظیر بود و من در عمرم آزاداندیش‌تر از او ندیدم؛ ایشان به شاگردان خود مانند فرزند نزدیک بود و فیلسوفی تا این اندازه عاطفی نیز کمتر دیده‌ام.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، غلامحسین ابراهیمی دینانی، استاد فلسفه دانشگاه تهران، در مراسم پایانی همایش روز جهانی فلسفه که با موضوع «#171 بررسی وضعیت فلسفه در ایران» و با حضور جمعی از نخبگان و متفکران فلسفی معاصر، شب گذشته، چهارشنبه، 24 آبان‌ماه، در محل مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار شد، به بیان سخنانی درباره فلسفه و نقش علامه طباطبایی در فلسفه کشور پرداخت.

وی در ابتدای سخنان خود این همایش را به دو اعتبار روز جهانی فلسفه و روز بزرگداشت علامه طباطبایی مهم خواند و اظهار کرد: یکی از سؤالات مهم در این محفل و روز جهانی فلسفه آن است که فلسفه جهانی است یا جهان، فلسفی است؟! و سؤال مهم دیگر آن است که فلسفه چیست و به چه کاری می‌آید و واقعاً چه مسئله‌ای از مسائل انسانی را حل می‌کند؟

دینای افزود: پاسخ به این سؤال بسیار دشوار است و واقعیت آن است که انسان اگر دغدغه نداشته باشد با هزار تلاش هم چیزی نخواهد فهمید؛ فلسفه سهمناک و خطرناک است و دغدغه می‌خواهد و مخالفان بسیاری نیز اعم از متشرع و عارف و عامی دارد؛ همچنان که شیخ عطار می‌گوید: کاف کفر ای جان به حق المعرفة/ حوشرم آید ز فای فلسفه.

مدیر گروه فلسفه اسلامی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران با اشاره به سخنی از کانت درباره فلسفه ادامه داد: کانت سه مسئله یا دغدغه برای فلسفه مطرح می‌کند: نخست آن که واقعیت چیست؟ دوم آنکه اگر واقعیتی هست چگونه می‌توان به آن دست یافت؟ و سوم آن که حال چه باید کرد؟ فیلسوف می‌خواهد به این سه سؤال پاسخ دهد و اگر کسی یکی از این سه مسئله را نداند، فیلسوف نیست.

لامه ظاهری آرام داشت و به شاگردان خود مانند فرزند نزدیک بود و من فیلسوفی تا این اندازه عاطفی کمتر به عمر خود دیده‌ام. علامه تنها یک فیلسوف نبود، بلکه نظراً و عملاً یک عارف بزرگ بود و مستحبی از مستحبات را ترک نمی‌کرد؛ در عین حال ایشان یک فقیه و اصولی تمام‌عیار نیز بود. وی اضافه کرد: اگر کسی همه علوم عالم را بداند، اما نداند که چگونه می‌داند، نادان است، او باید بداند که چگونه می‌داند تا بداند که چه کار باید بکند. فیلسوف این سه دغدغه را همواره دارد و می‌کوشد تا بدانها پاسخ گوید.

نویسنده کتاب «#171 خواجه نصیر؛ فیلسوف گفت‌وگو» تصریح کرد: جمله‌ای در افواه در زبان مردم رایج است و آن این که «#171 هر کس هر عقیده‌ای را که می‌خواهد داشته باشد»؛ به نظر من این محکم‌ترین سخن برای تنبلی و تنبلا نه‌ترین سخن ممکن در عالم است. بشر اگر بشر است، به فلسفه نیازمند است و عالم و عامی و متعبد همه به فلسفه نیاز دارند. فلسفه جایگاه اشیاء را مشخص می‌کند و از همین روی باید گفت که فلسفه از نان شب واجب‌تر است و هیچ کس بی‌نیاز از آن نیست.

وی با بیان این که تعبد خوب است، اما متعبد باید بداند که چرا متعبد است، اضافه کرد: فیلسوفان کوشیده‌اند تا واقعیت را بفهمند و در مقابل دو گروه قرار گرفته‌اند: نخست سوفسطائیان که واقعیت و یا رسیدن به واقعیت را انکار می‌کردند و دوم همین قائلان به اینکه «#171 هر کس هر عقیده‌ای را که می‌خواهد داشته باشد»؛ متشرع می‌کوشد تا با عقیده و عالم با تجربه به این واقعیت دست یابد؛ اما هیچ حسی بی‌نیاز از فلسفه نیست و بدون یاری فلسفه نمی‌تواند به نتیجه برسد.

استاد فلسفه دانشگاه تهران در ادامه سخنان خود علامه طباطبایی را مظهر فلسفه خواند و در بیان برخی از ویژگی‌های ایشان گفت: علامه با آن که بیان و حتی حافظه چندان خوبی نداشت، اما در تفکر و عمق اندیشه و به‌ویژه آزادی اندیشه کم‌نظیر بود و من در عمرم در آزادی اندیشه کسی مانند ایشان ندیدم. ایشان مشتاق طرح مسائل مختلف قدیم و جدید در حوزه‌های مختلف علمی اعم از فلسفه، فقه و اصول و تفسیر بود و درباره همه این مسائل دغدغه داشت و گویی که مدت‌ها درباره هر یک از آنها اندیشیده بود.

وی با اشاره به خاطراتی از جلسات علمی علامه با خواص شاگردان خود عنوان کرد: علامه ظاهری آرام داشت و به شاگردان خود مانند

فرزند نزدیک بود و من فیلسوفی تا این اندازه عاطفی کمتر به عمر خود دیده‌ام. علامه تنها یک فیلسوف نبود، بلکه نظراً و عملاً یک عارف بزرگ بود و مستحبی از مستحبات را ترك نمی‌کرد؛ در عین حال ایشان یک فقیه و اصولی تمام‌عیار نیز بود.

دینانی اضافه کرد: تدریس فلسفه در آن زمان در حکم انتحار بود و علامه از معدود کسانی بود که توانست در آن محیط دوام بیاورد و شاگردانی را تربیت کند؛ چنان که فلاسفه‌ای چون میرزا مهدی آشتیانی و میرزا علی‌اکبر یزدی نتوانستند در قم بمانند. علت آن که علامه توانست در آن محیط بماند، نخست روحیه محتاط و آرام ایشان بود و دیگر آن بود که در زیر چتر تفسیر مبارک المیزان به چنین کاری پرداخت و اگر مفسر نبود، نمی‌توانست در آنجا بماند.

وی با اشاره به ملاقات‌های علامه طباطبایی و هانری کربن اظهار کرد: علامه می‌خواست از زبان کسی که فیلسوف مغرب بود، بداند که در دنیا چه می‌گذرد و با مسائل و معضلات روز دنیا آشنا شود و بداند که چه اتفاق علمی، فلسفی و فرهنگی در جهان افتاده است. فرهنگ تشیع مرهون این مرد بزرگ است، او در نزاهت اخلاق و طهارت باطن کم‌نظیر بود و افکار خود را نوشت و آثاری چون بدایه و نهایه نیز تنها برای سهولت تدریس طلاب تدوین شد.

در دومین روز همایش روز جهانی فلسفه و پیش‌تر از سخنان دینانی، دو نشست علمی برگزار شد؛ نخست «#بررسی وضعیت منطق، فلسفه غرب و فلسفه‌های مضاف در ایران«؛ به ریاست ضیاء موحد و کریم مجتهدی بود که در آن ضیاء موحد با موضوع «#بررسی وضعیت آموزش و پژوهش منطق در ایران«؛ و کریم مجتهدی با موضوع «#فلسفه غرب و آموزش آن در ایران«؛ به ارائه سخن پرداختند.

علت آن که علامه توانست در آن محیط بماند، نخست روحیه محتاط و آرام ایشان بود و دیگر آن بود که در زیر چتر تفسیر مبارک المیزان به چنین کاری پرداخت و اگر مفسر نبود، نمی‌توانست در آنجا بماند
محسن جوادی با موضوع «#بررسی وضعیت آموزش و پژوهش فلسفه اخلاق در ایران«؛، احمد رضا همتی‌مقدم با موضوع «#بررسی وضعیت فلسفه پزشکی در ایران و امیراحسان کرباسی‌زاده با موضوع «#بررسی وضعیت فلسفه علم در ایران«؛ از دیگر سخنرانان این نشست بودند.

«#بررسی وضعیت کاربردی‌سازی فلسفه در ایران«؛ عنوان دومین نشست دومین روز از همایش روز جهانی فلسفه امسال بود که با ریاست محمدصادق زاهدی برگزار شد. در این نشست نیز محمدصادق زاهدی درباره «#معنا و گستره فلسفه کاربردی«؛، سعید ناجی درباره «#بررسی آموزش فلسفه برای کودکان«؛ و امیرعباس علی‌زمانی درباره «#فلسفه زندگی و زندگی فلسفی (نگاهی منتقدانه به زندگی هر روزی)«؛ سخنرانی کردند.